



ANASTASIA

Code Name

Uploader: NT

Translator: Undead

Editor: Aysa / Undead

Helping: ...

Director: NT

تیر ترجمہ و اسکرپت آٹومی سگای تقدیر میکنے



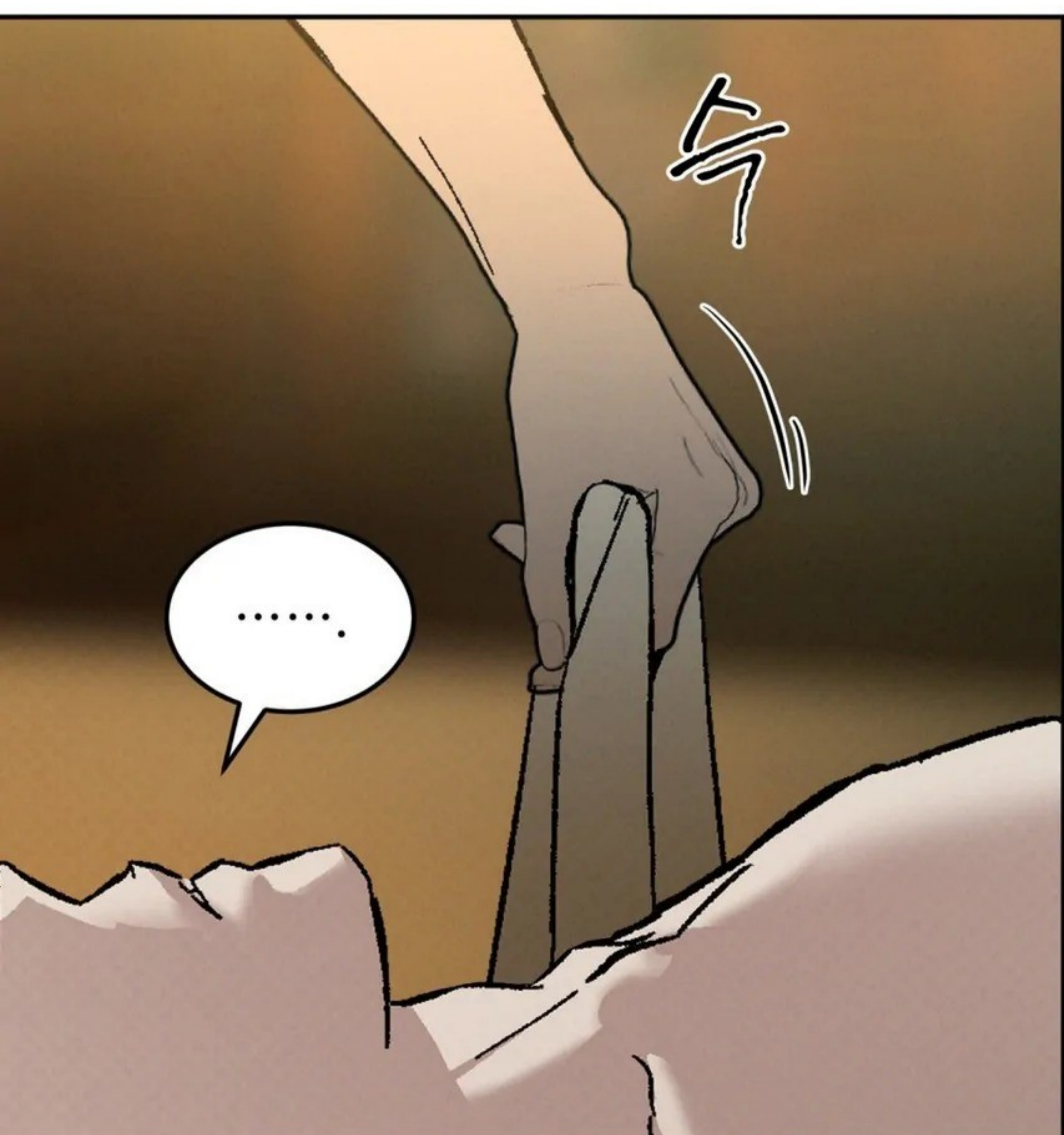
.....



哇







هاها...



ههههه
هاها~!





داری میری
بیرون مامانتو
صدا کنی؟

آره. حتماً
بهش میگم خوب
حالتو بگیره.



탁

○○○

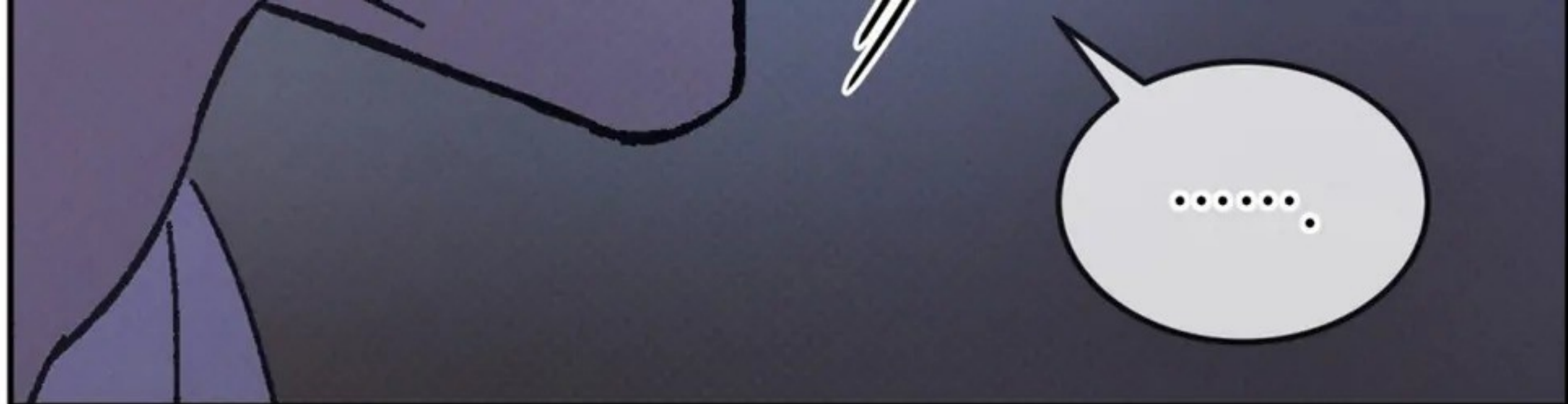
هاها

هاهاها!

질레

چچ. دیوونهی
لعتی. این جیس
خنده داره.





쿵광

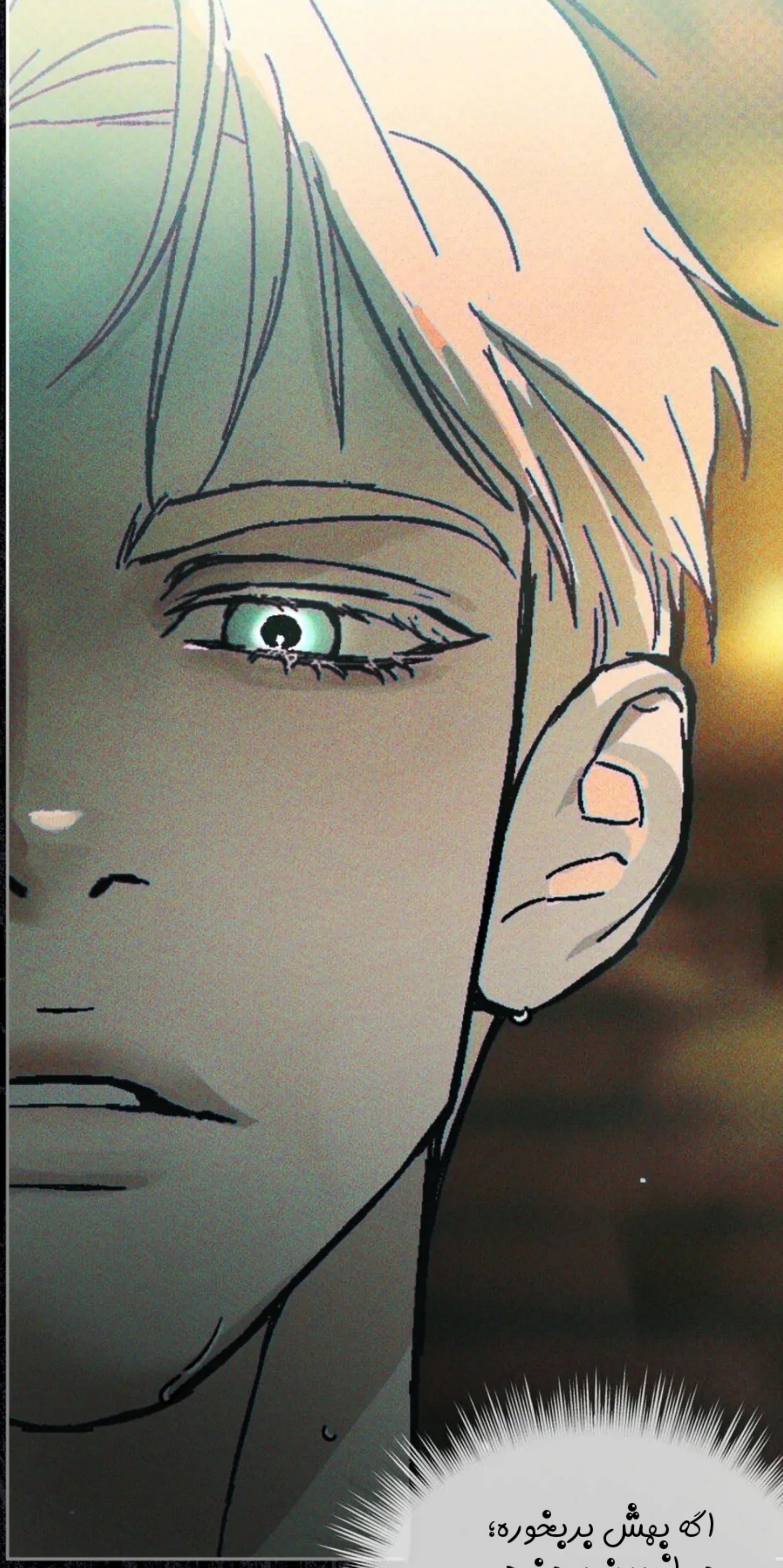
쿵광

쿵광

که توش...
این دفعه... واقعاً
خطری بود.

اگه حواسش پرت
نمیشد... حتماً آخرش
یه بلایی سرم میومد.

تا چایی که میدونم،
اون همکاری نیست که
کوتاه پیاد یا پالمایمت
رفتار کنه.



اگه پهنش پر بخوره؛
در از پین پردن هر
کسی که سر راهش
باشه تردید نمیکنه.

برای اینکه
از دست همچین
آدمی در برم...

پاید هرچه
زودتر این ماموریتو
تموم کنم.

اسپرینگز آناستازیا

چپتر 32

نویسنده: بوی ساسون

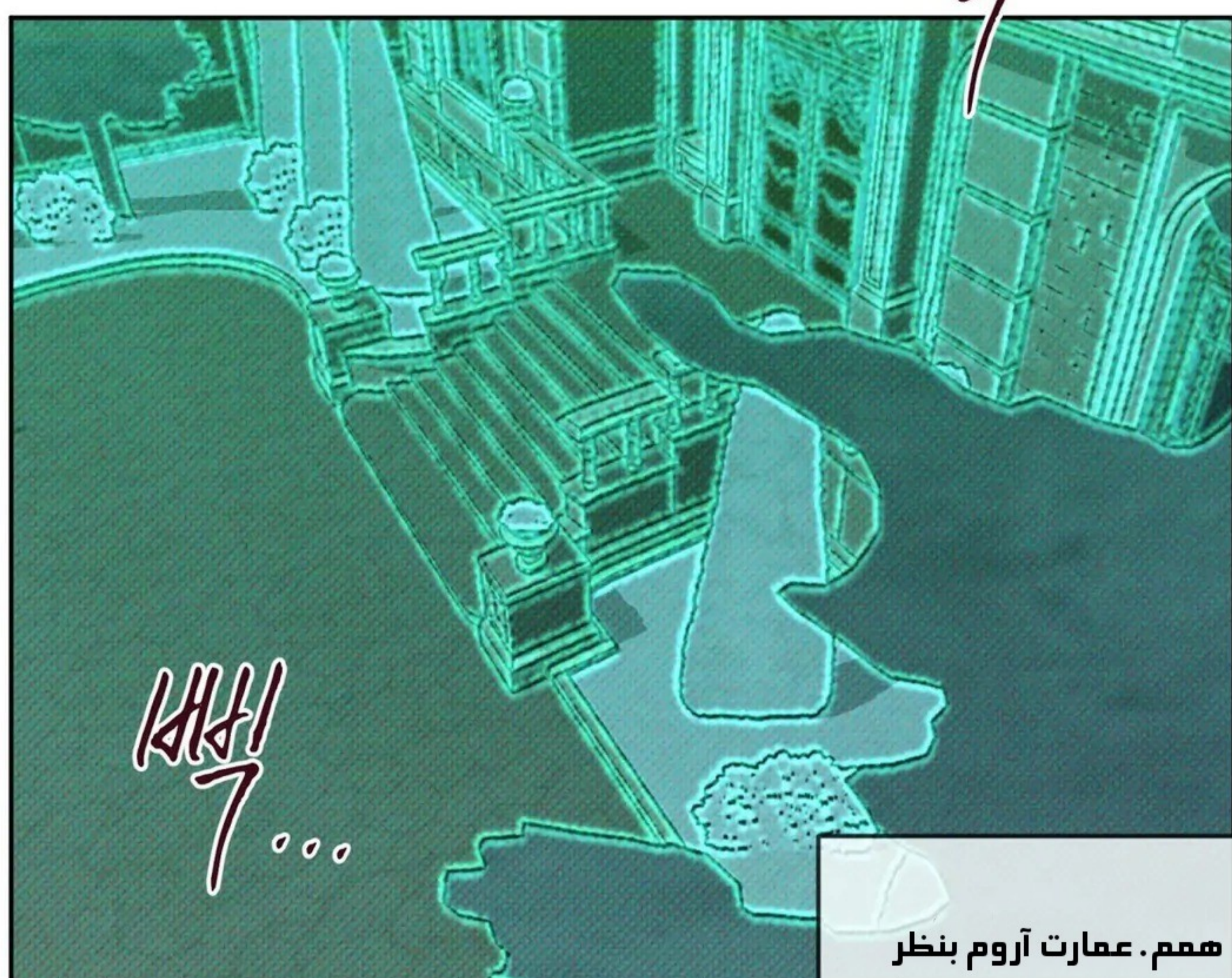
휘오오



팔각



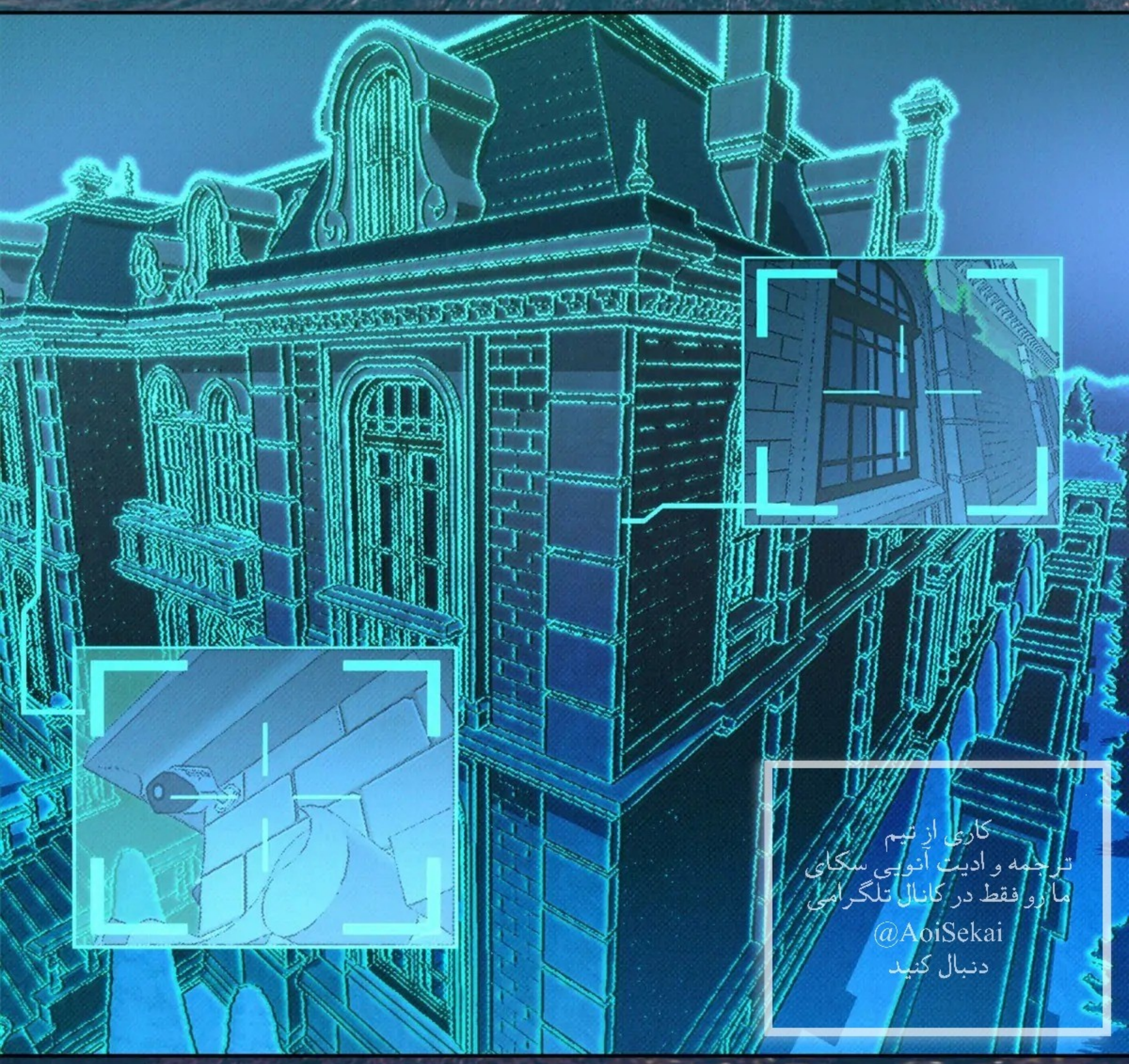
헉! 헉!



헉! 헉! ...

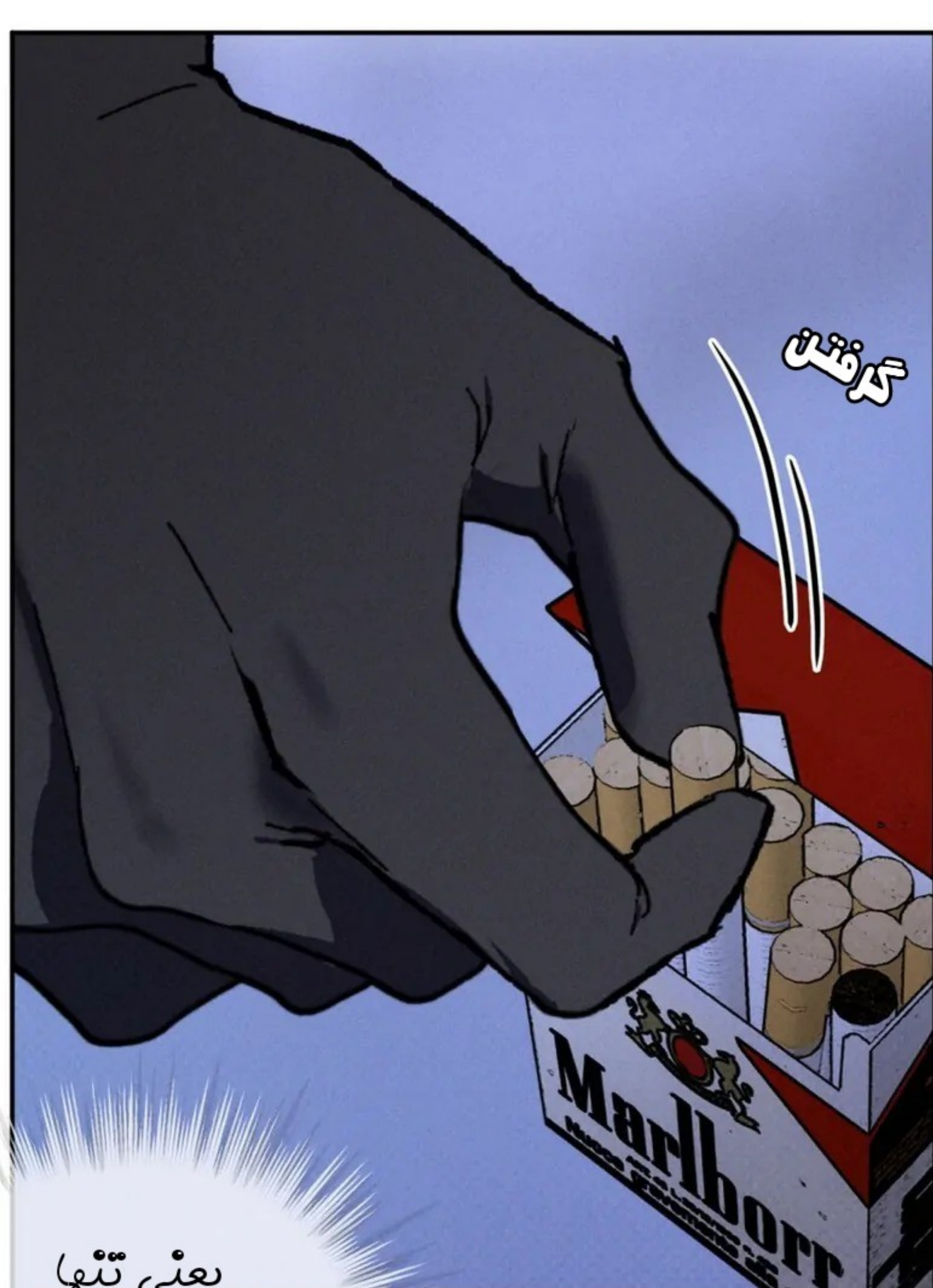
همم . عمارت آروم بنظر
میاد... نشونه‌ای از ورود یا
خروج کسی نیست.

مثل یه قلعه...
مثل یه قلعه...



کاری از تیم
ترجمه و ادیت آنوبی سکای
مازوفقط در کانال تلگرامی
@AoiSekai
دنبال کنید

نمیتونم توش
نقطه ضعفی برای
ورودمون پیدا کنم.



یعنی تنها
راه فقط ورودی
اصلیه...؟

انگار ویژگی این منطقه
بادهای تندسه. تازه
جهت پیشبینی نشدنی
بادهاشم که نگم.



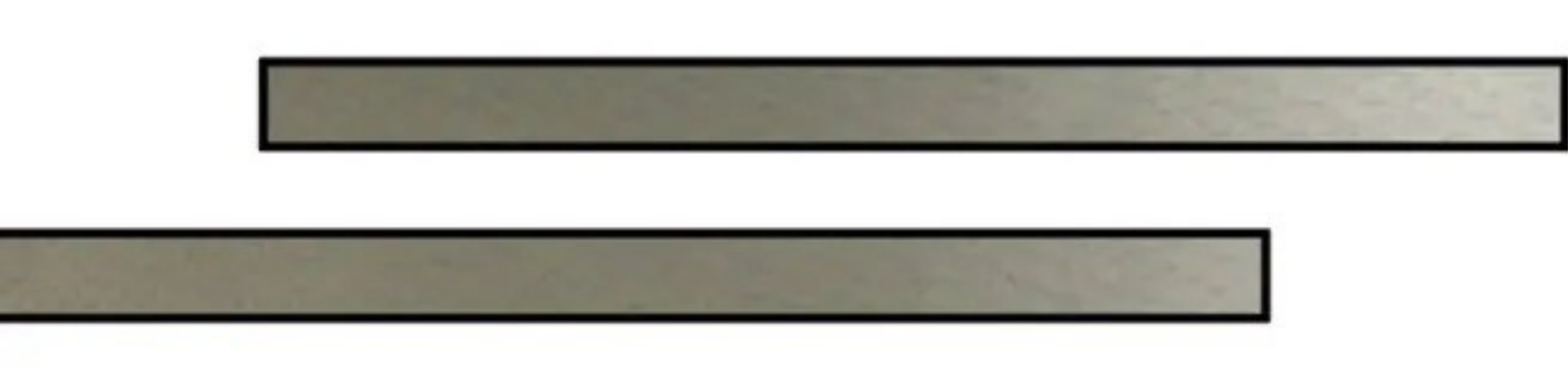
این ورود از پشت بوم
با هلیکوپتر یا چتر و خیلی
چالش برانگیز میکنه...

چرا انقدر خودشونو
برای دفاعی ساختن این
عمارت به زحمت انداختن؟
یعنی ممکنه چی اون تو
مخفی کرده باشن؟

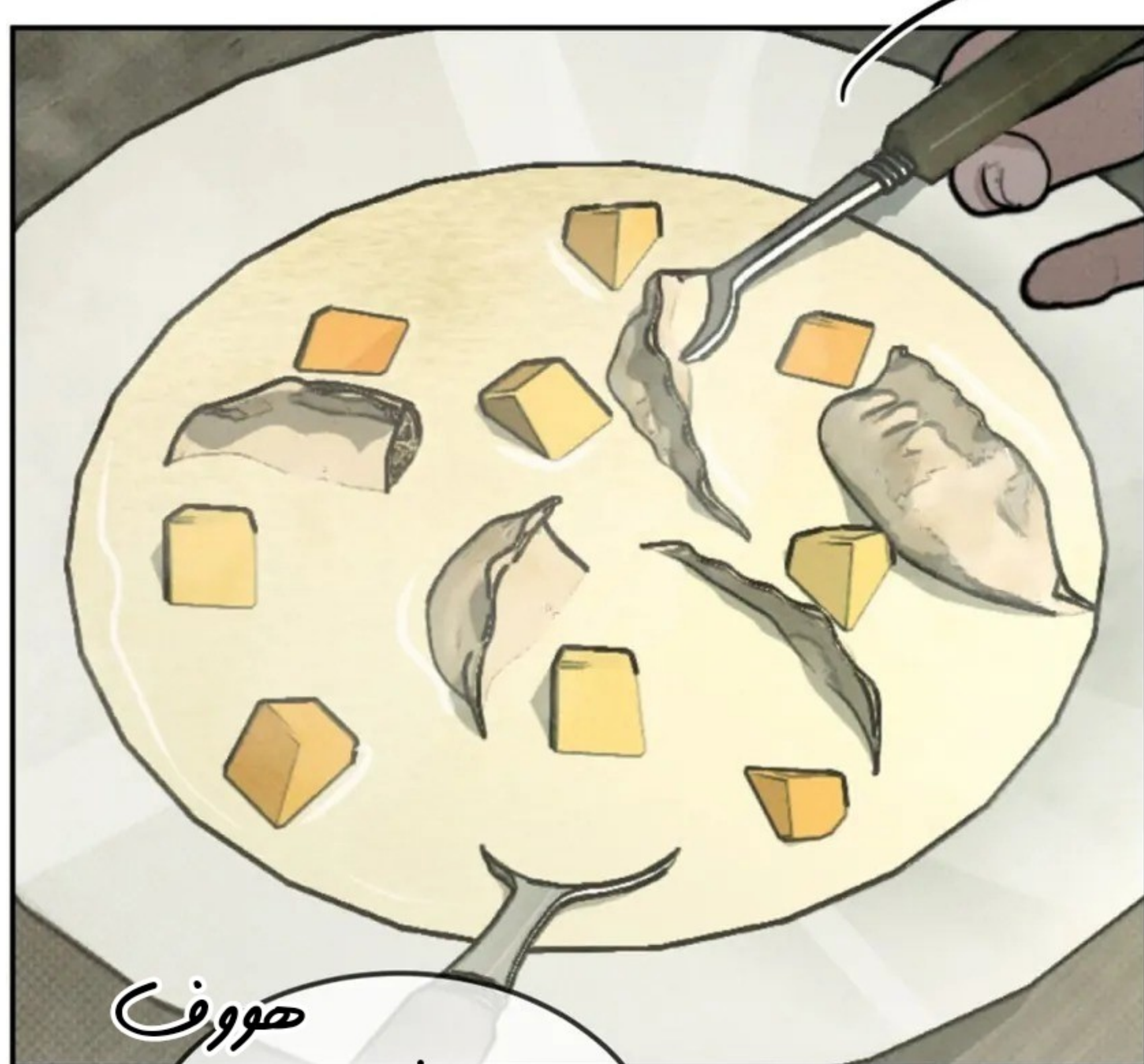




هوف. خپ...
هرچی په چپیزو محتاط تر
پنهان کنئ؛ یعنی پا
ارزش تر هم هست.



튀적



هووف

پوف...
از این حال بهم
میخوره. اوق.



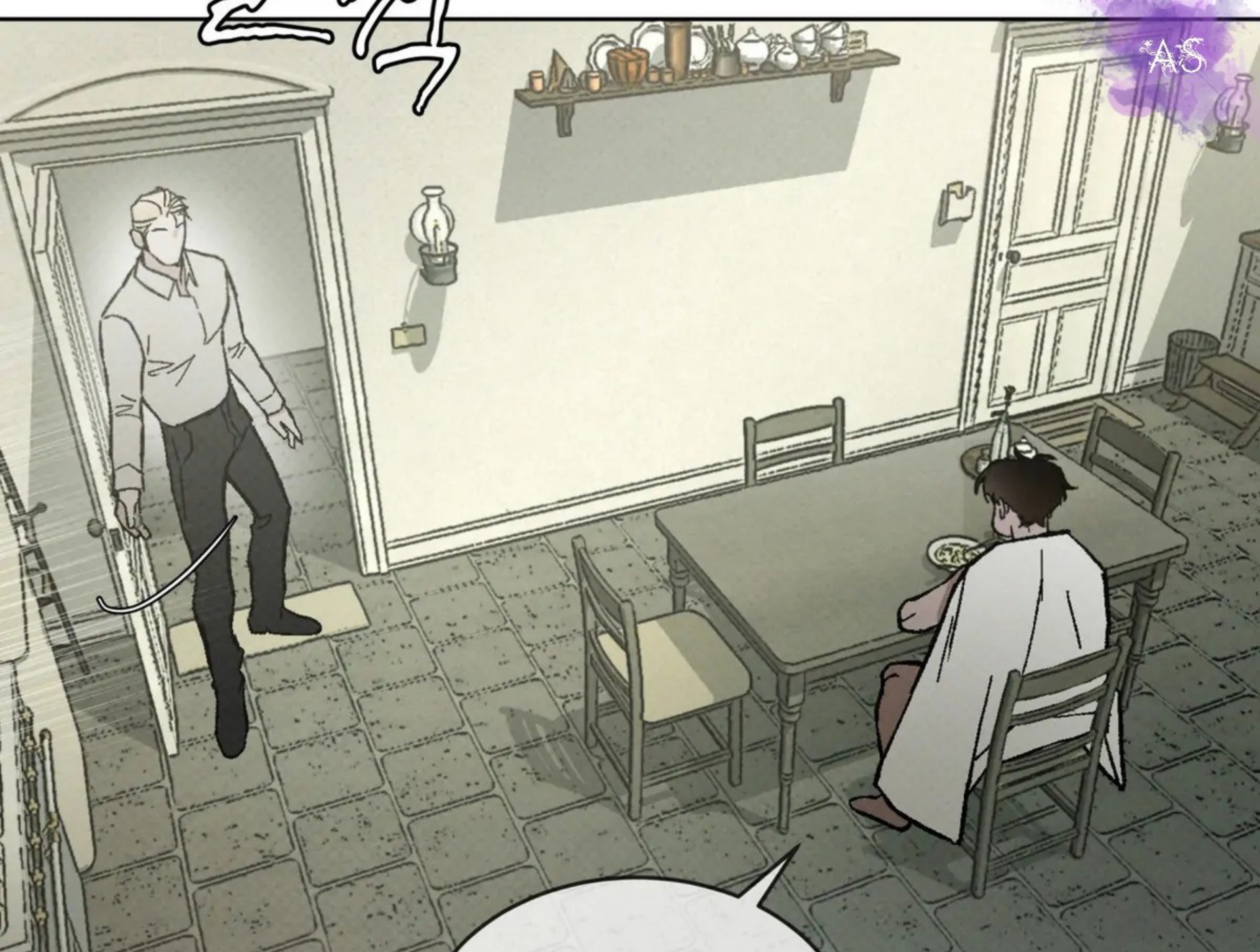
بعد از اون همه
تلاش از صبح...

مردم این غذای
پلمپیه.



الآن میتونستم
یه سوپ داغی چیزی
برنم...

벌컥

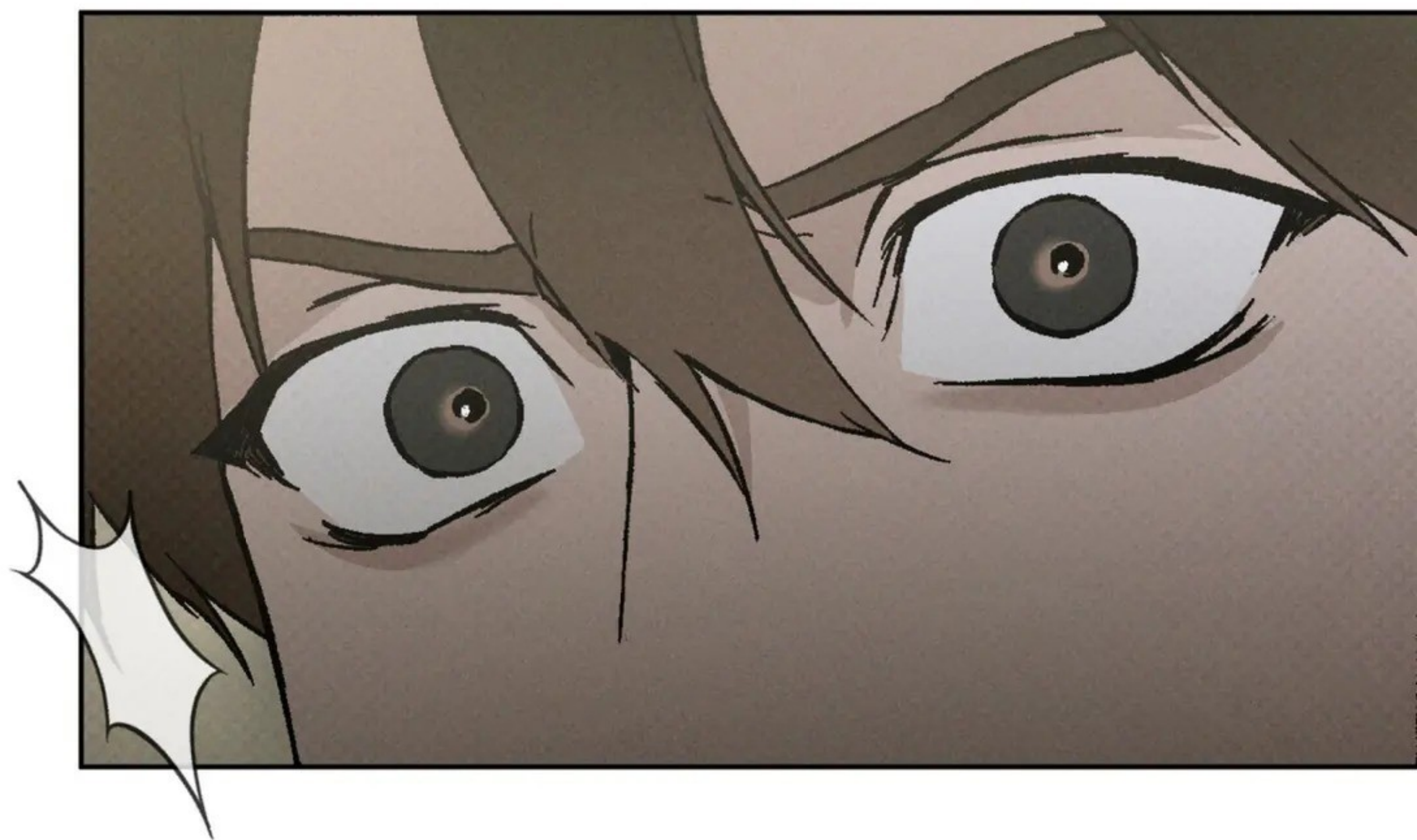


عج- عمارت هنوز
بی سرو صداست.

هیچ نشونه‌ای از
ورود و خروج یا ناآرامی
دیده نمیشه...

부스럭





두

동



شنیدم کره‌ایا واسه
این جونشون درمیره...
حقیقت داره؟



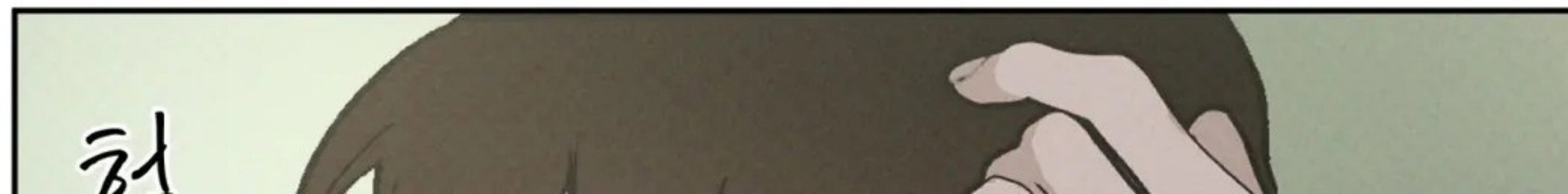
اینو از میزبان بخشنده‌مون
گرفتم. از کجا معلوم، شاید یه
مهمون کره‌ای اینو به عنوان
یه هدیه بجا گذاشته؟



اونوقت من
هیچی از کسی
دریافت نکردم...



هاه. انگار
واقعاً جونت براش
درمیره، هان؟





بدش به من.

خب ببین...
به همین راحتی
که نمیشه.

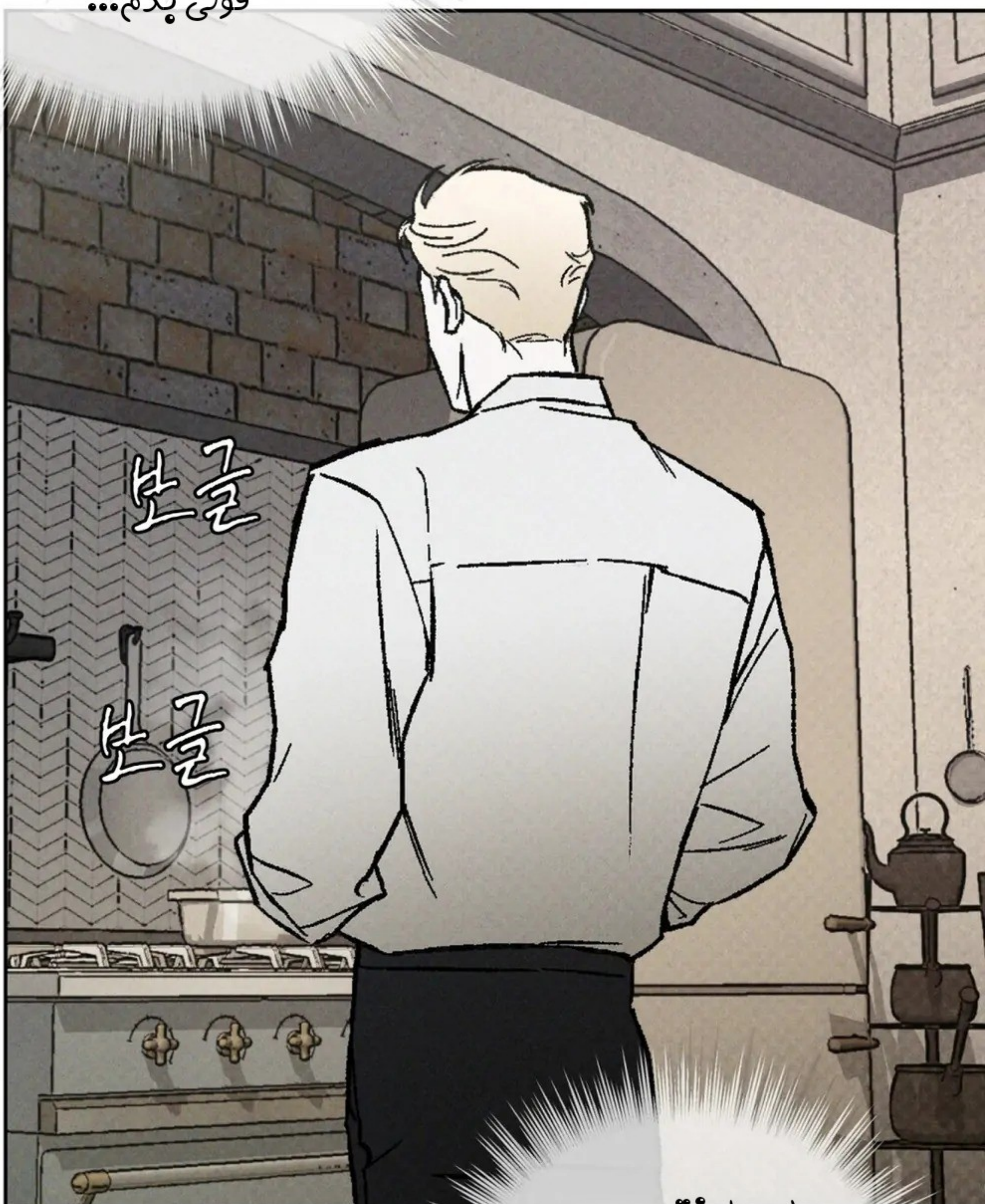
چی چی میخوای؟



چیز خاصی
نمیخوام. اگه چیزی به
ذهنم رسید میگم.

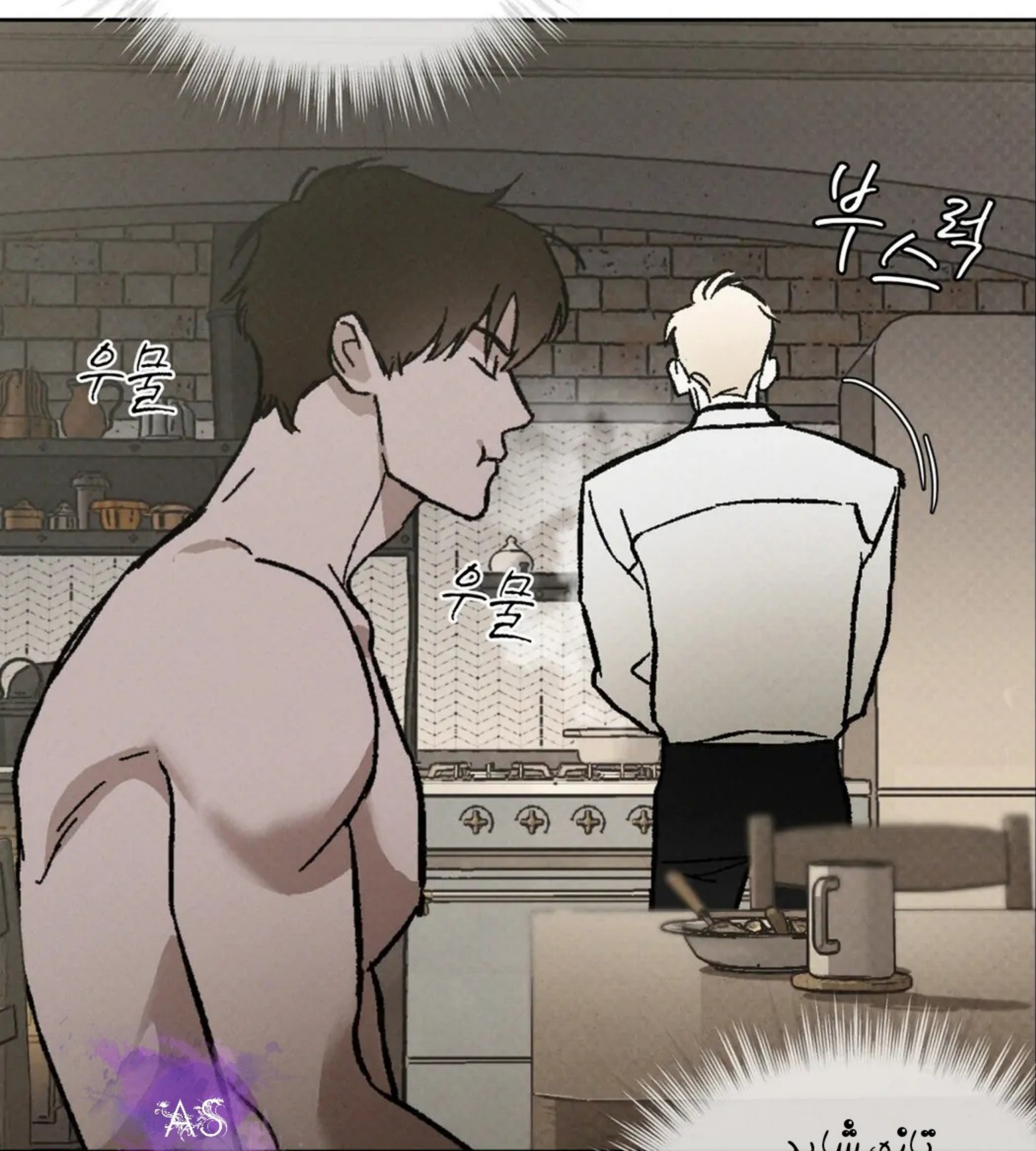


زده به سرش؟
من نمیتونم بدون اینکه
کامل بدونم موضوع چیه
قولی پدرم...



اه... لعنتی. پوی
نودل داره هوش از
سرم میپیره...

بگذریم،
نمیدونم وقتی دارم اینو
میخورم، مغز توهمم
میزنه یا نه...



تازه، شاید
پوی نودل فوری،
سر حسگرای دهنمو
گول پماله...



...ممفعا! اووق-
حتی تهوع آورده هم
شد. زیادی چربه...

تیر

بیر





화야



چیچ... اگه اون بلا فاصله
خورده نشه؛ عتماً مزهش
برمیگرده و عراب همیشه...



اهمیت نمیدم.

آره - البته
که اهمیت نمیدی.
حرومی لعنتی.

تف. تف. تف...
همین الان وقت
خوردنش.



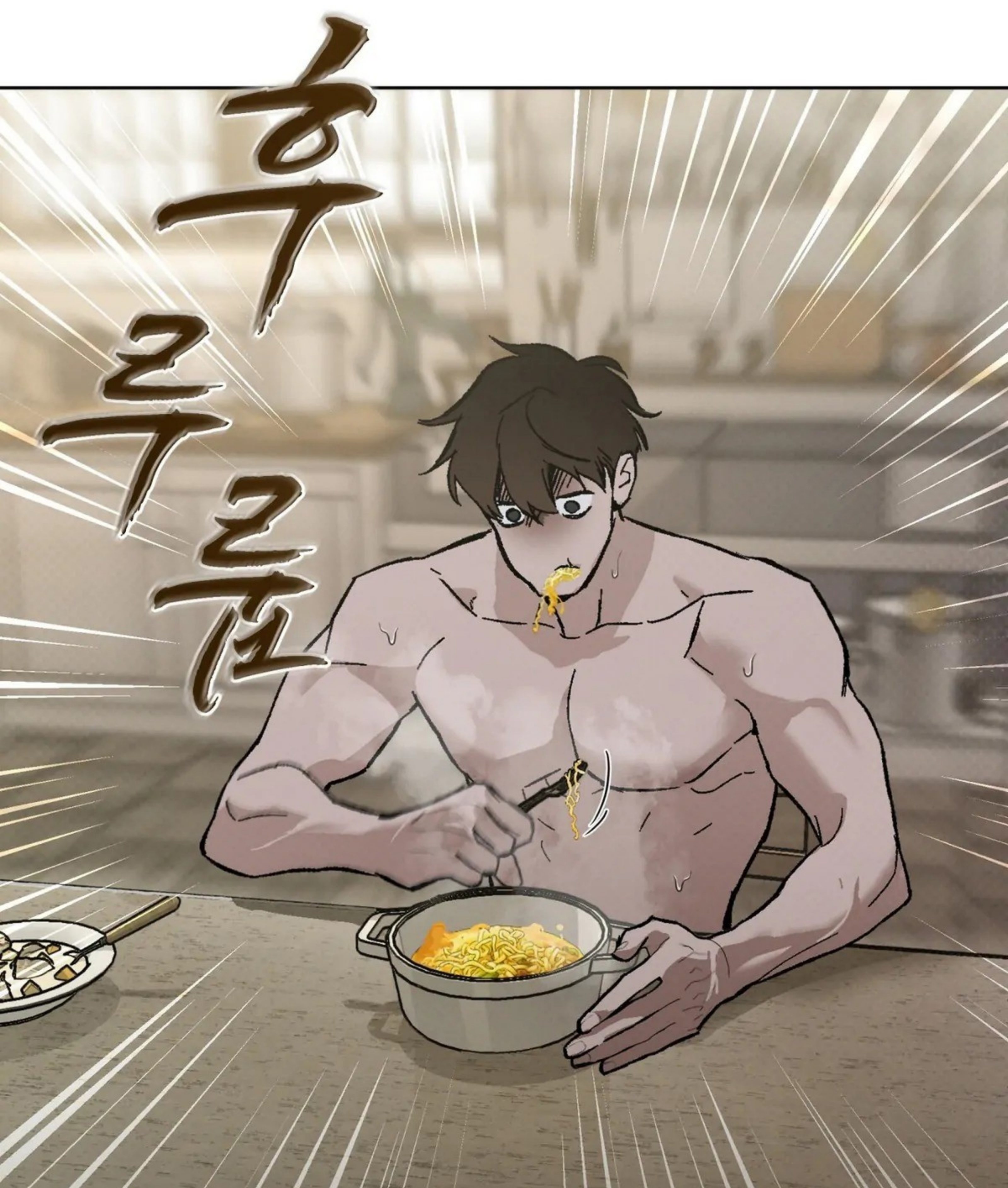
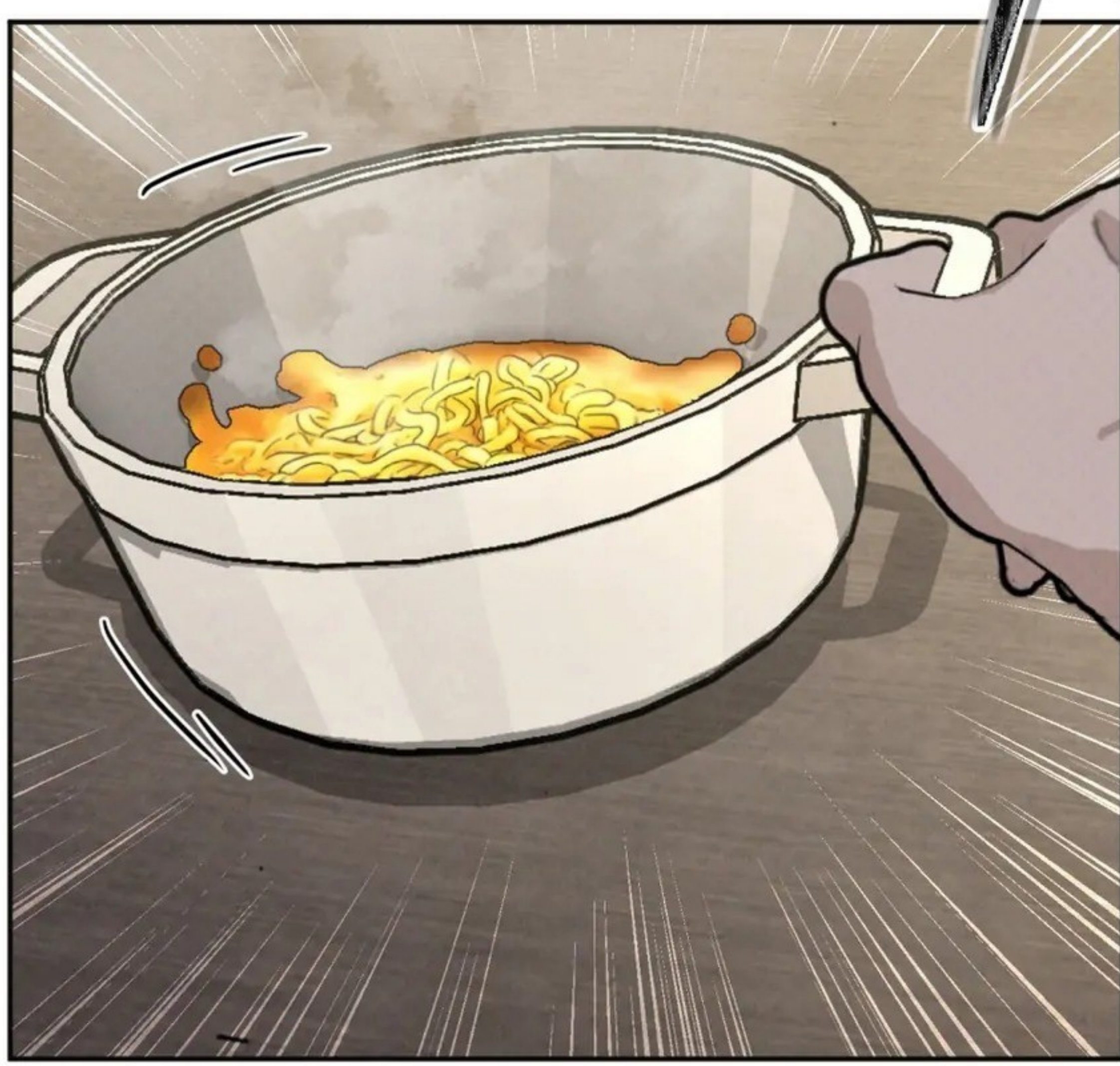
뚜군



اصلاً باشه.
شاید فقط دارم فکر زیادی
میکنم. شاید درخواستش
ساده باشه.

فعلاً شاید گوش دادم
پپینم چی میگه... این
که ضرری نداره...

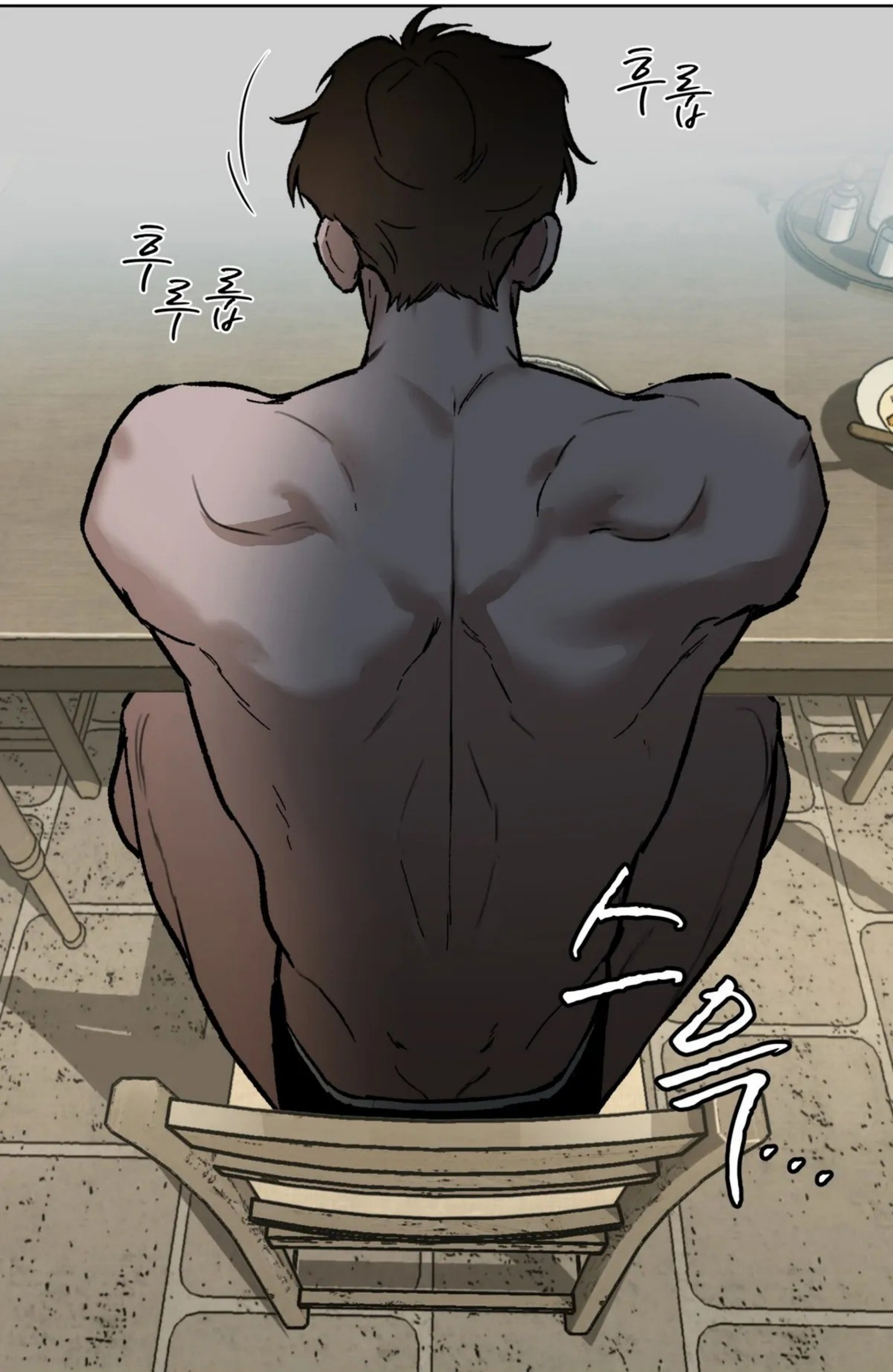
타아

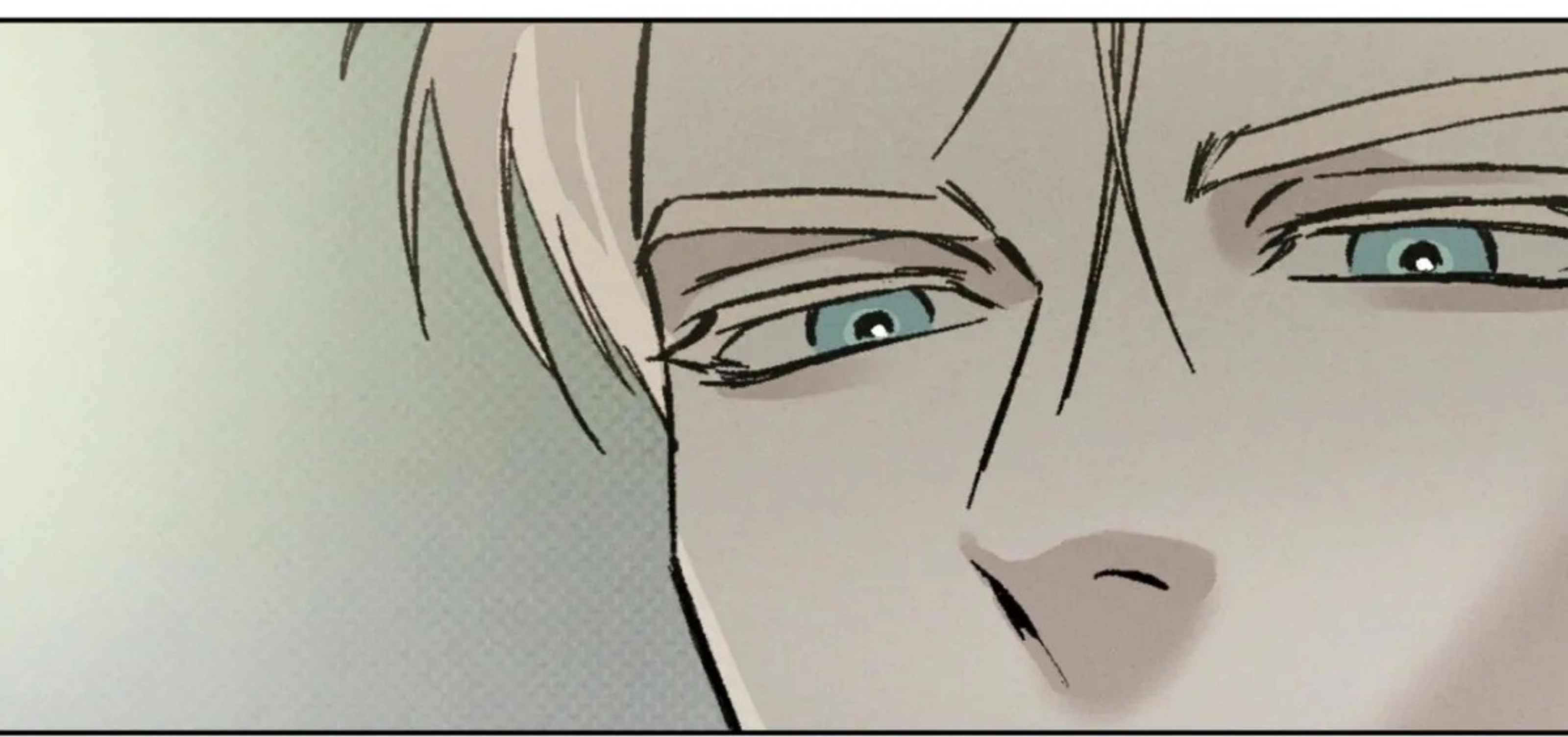


آخیش...
راحت شدم...

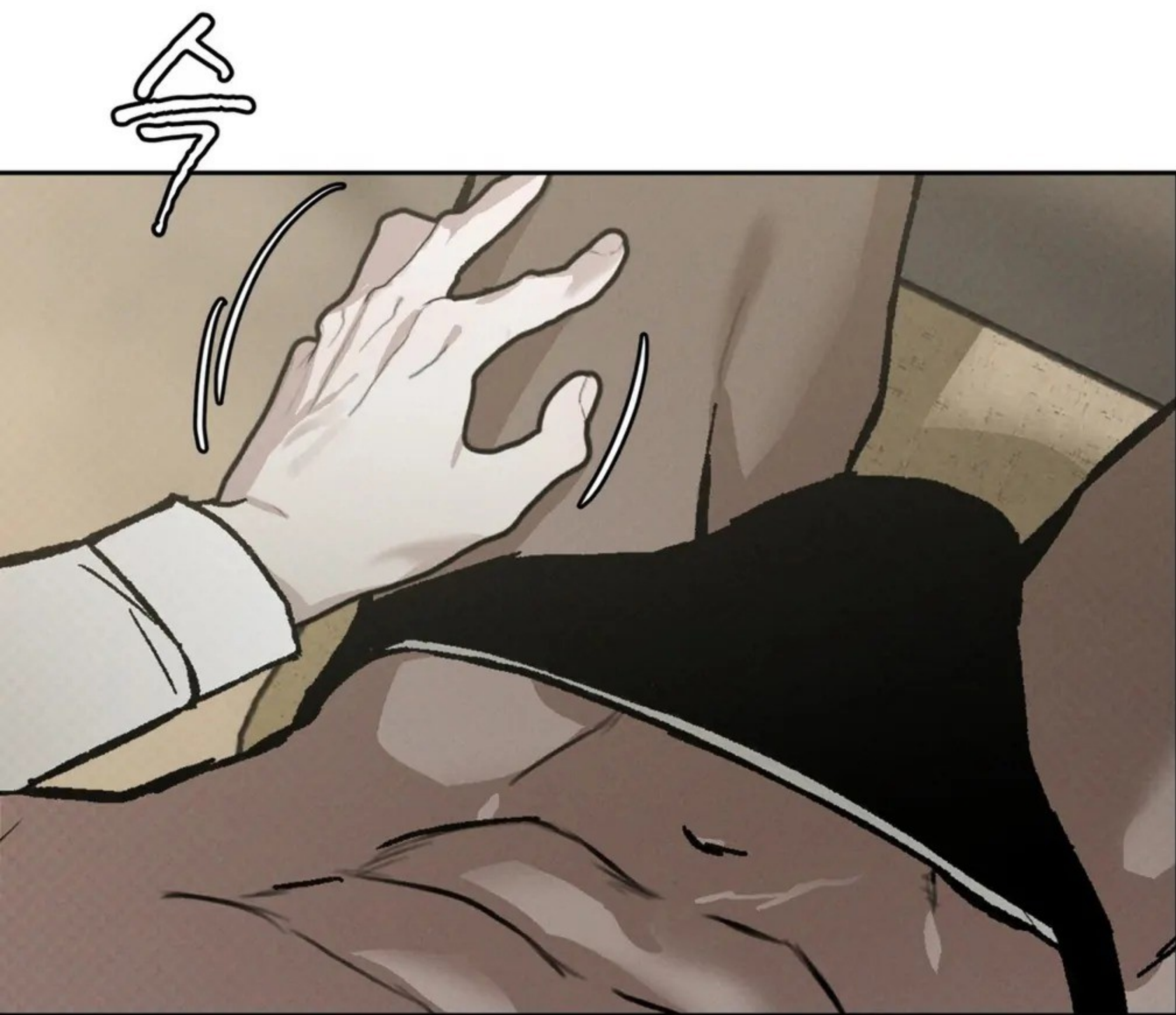


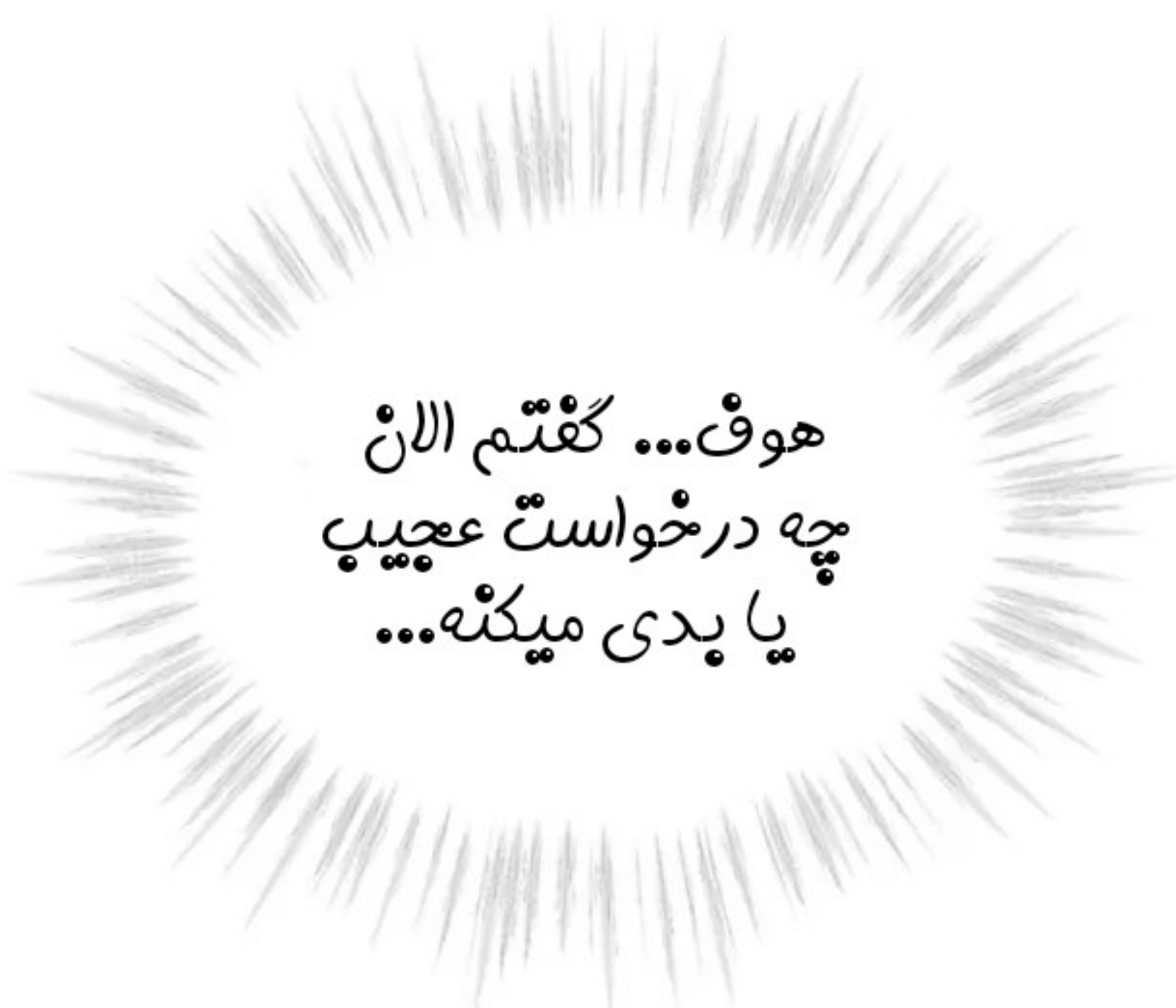
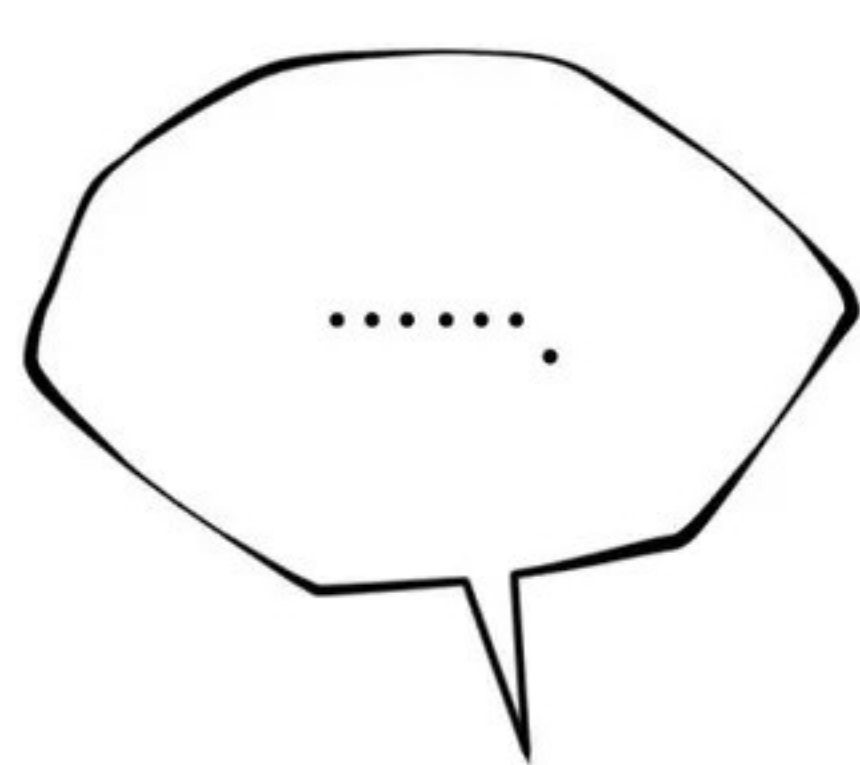
غذایه
این میگن!





تكون نخور...





هوف... گفتم الان
چه درخواست عجیب
یا بدی میکنه...

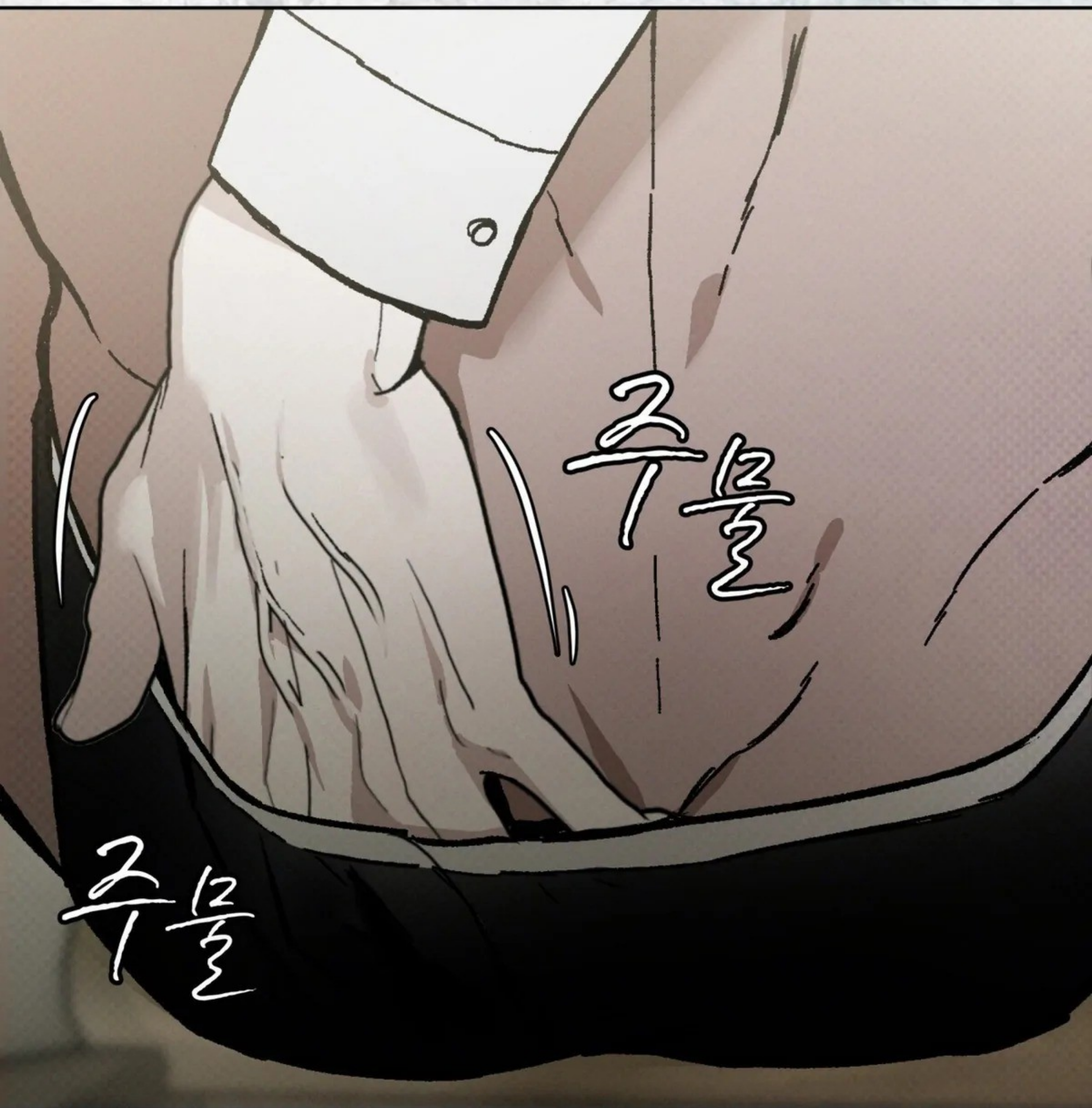


اما معلوم شد
هیچی نیست...

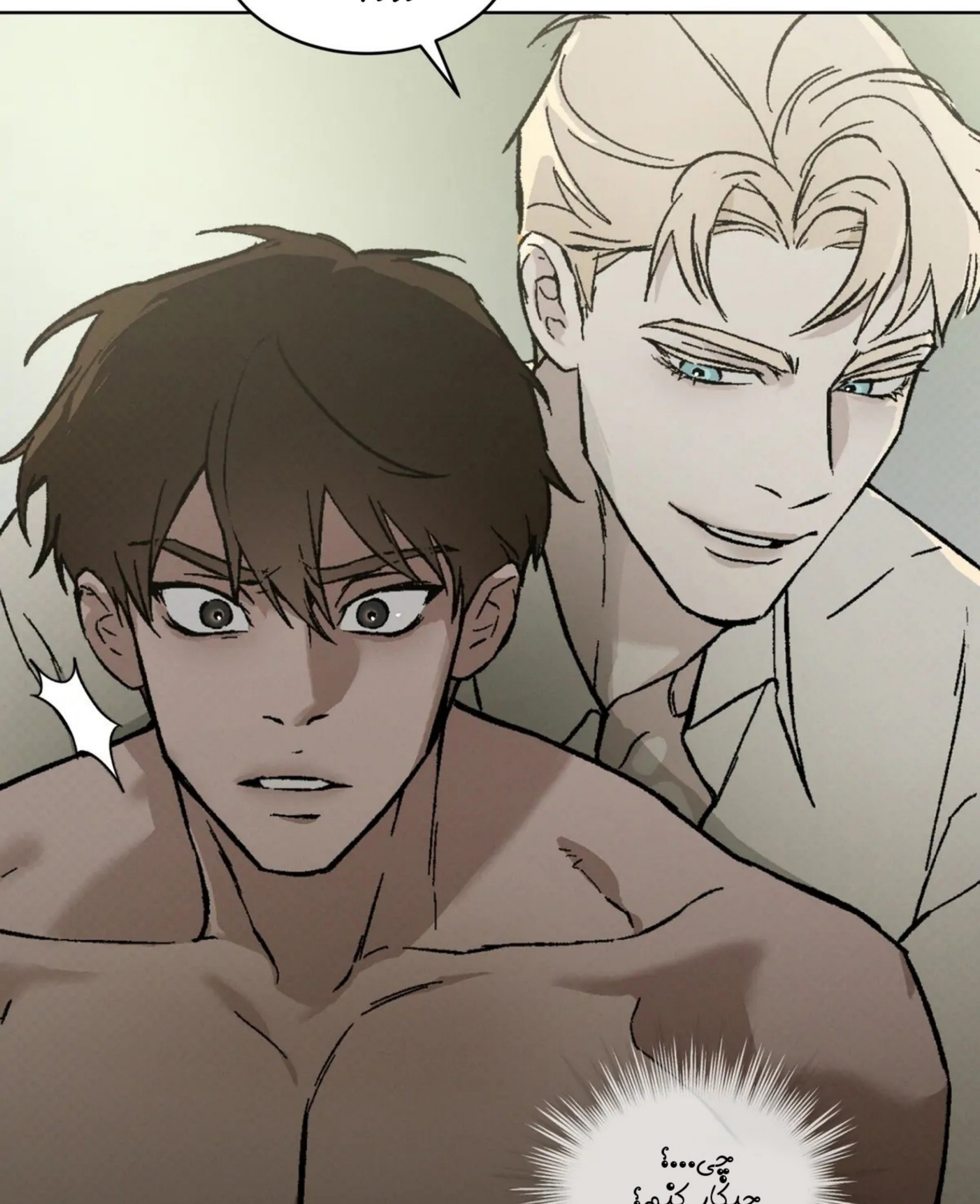
유리



세프-



سفتش
کن. یکم بهش
زور بده.



چی...؟
چی کار کنم؟



آزیو-
آزیو

آزیو-
آزیو

کاری از تیم
ترجمه و ادیت آنوبی سکای
ما رو فقط در کانال تلگرامی
@AoiSekai
دنبال کنید

꽤

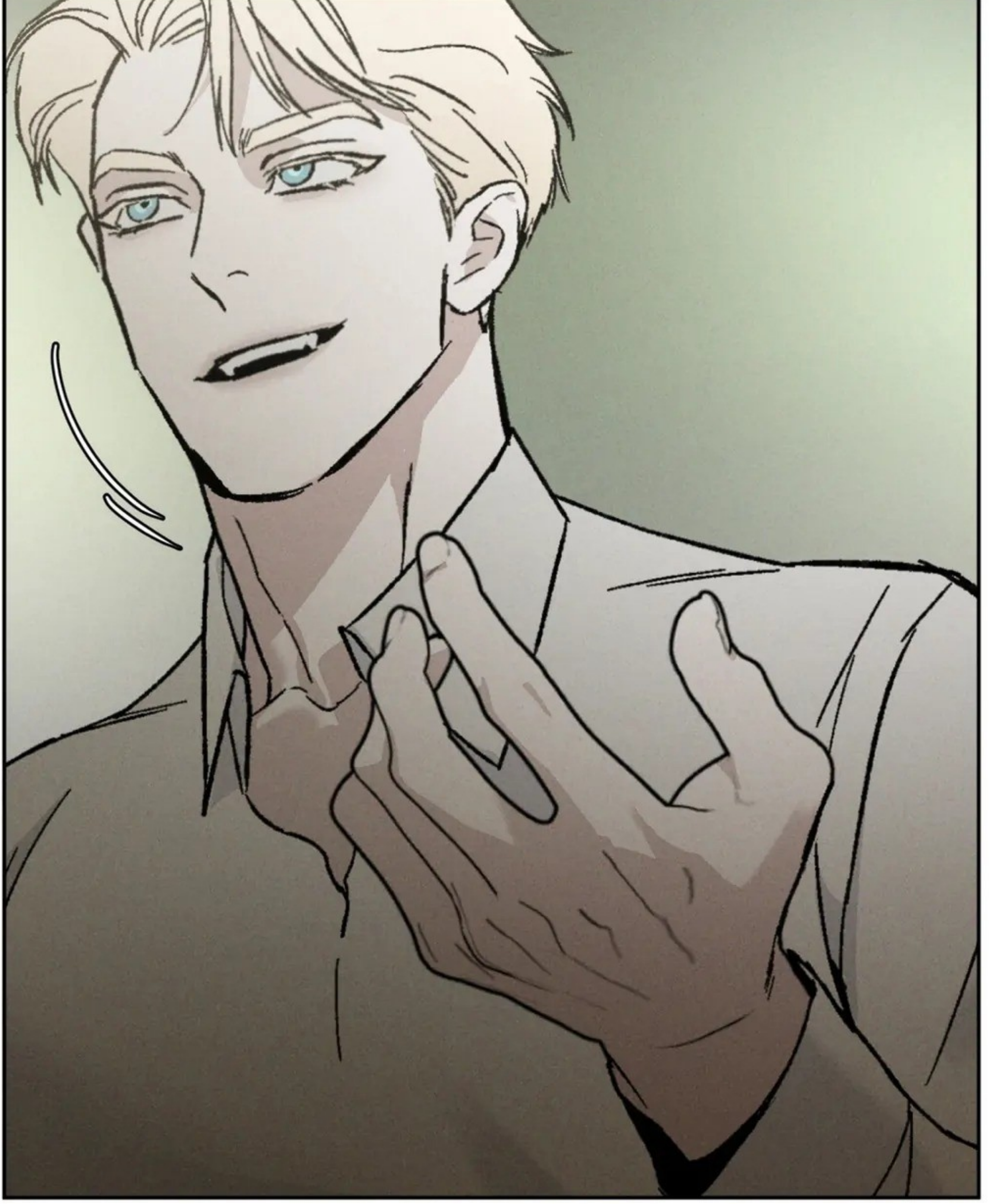
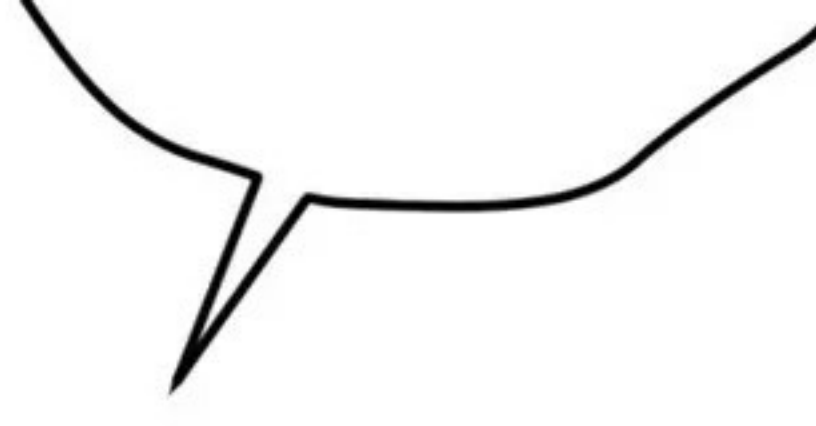


هان. ردیاب یهو
غیبش زد... انگار اون
اسکل خوب شکمش
کار کرده.

هی. دمت گرم،
غذای مشتتای بود.







ادامه دارند...



سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

آئویی سکای

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/aoisekai)